

گونه‌شناسی

معیارهای تاریخ محور اعتبارسنجی محتوای احادیث*

- البرز محقق‌گرفمی^۱
- سید علی دلبری^۲

چکیده

محتوای اخبار ظنّ برانگیز با سنجه‌هایی چون قرآن، سنت معتبره، عقل، اجماع، مقاصد شریعت، گزاره علمی و تاریخ ارزیابی می‌شوند. از این میان، آگاهی از مؤلفه‌های تاریخی در کشف علل و عوامل صدور حدیث و نیز تطبیق محتوای آن بر رخدادهای بیرونی بسیار رهگشا خواهد بود. این نوشتار با بهره از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - اکتشافی، در پی گونه‌شناسی ملاک‌های معتبری برای نقد و تحلیل احادیث است که با دانش تاریخ و تاریخ مندی پیوندی معنادار دارند. دستاورد عمومی پژوهش این است که گونه‌هایی که برگزیده‌های نقلی و تحلیل عقلانی استوار هستند در قامت قرینه‌ها و نشانه‌هایی برای حکم به میزان اعتبار حدیث، نقش آفرین خواهند بود. در این میان، دلالت‌های قطع آفرین قصص قرآن، سنت قطعی و رخدادهای قطعی استوارترین منابع تاریخی نقد حدیث هستند. برخی از موارد اطمینان بخش مرتبط با تاریخ نیز عبارتند از: قرائن

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (saddelbari@gmail.com).

پیرامونی حدیث مانند آگاهی از شاخصه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی و عادات و آداب رفتاری فضای صدور حدیث؛ شناخت منابع معتبر نقل تاریخ؛ بررسی احوال افراد و رخداد‌های گزارش شده در متن و نیز تشخیص امور عام البلوی. تحلیل عقلانی و روش‌مند گزارش‌ها با واکاوی در قرینه‌های پیرامونی نیز در فرآیند نقد تاریخی حدیث بسیار سودمند خواهد بود.

واژگان کلیدی: حدیث، نقد متن، تاریخ، قرائن متنی، قرائن پیرامونی، تحلیل عقلانی

مقدمه

اگر جواز عمل به حدیث، صحت سندی دانسته شود، حدیث مقبول خبری است که محدثین آنرا صحیح و حسن می‌نامند. ولی در نزد اصولیان، خبری است که تلقی به قبول شده و حجت شمرده شود (سبحانی، ۱۴۱۴: ۸۹؛ غفاری، ۱۳۹۳، ۵۹/). از دیر باز، توجه به متن حدیث برای راستی آزمایی، راهبردی رایج بوده است (دمینی، ۱۹۸۴: ۵۰). یکی از سنجه‌های اعتبارسنجی احادیث، عرضه به تاریخ قطعی است. در حوزه متن، نگارش حدیث از آن جهت که از سنت قولی، فعلی و تقریری معصوم حکایت دارد، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری شمرده می‌شود. و از آن جهت که تاریخ دو قرن نخست اسلامی از طریق حدیث به دست رسیده است، نقش محدثین و مورخین یکسان خواهد بود (صحرايي اردکانی، ۱۳۸۶: ۵۱). از دیگر سو، گزارش‌های تاریخی این دوره از آن جهت که رفتار معصومین، صحابه و تابعین را تبیین می‌کنند حدیث شمرده می‌شوند.

نیک روشن است که اعتبار منابع تاریخی، عنصری مهم در عرضه حدیث به دانسته‌های تاریخی است. به‌طور کلی داده‌هایی در این معیار معتبر شمرده می‌شوند که درحدوث، زمان و کیفیت آنها اطمینان آوری وجود داشته باشد. معیار تاریخ، اگر از قرائن متناسبی حاصل آمده باشد سبب اطمینان آفرینی شده و می‌تواند در فرآیند نقد حدیث مورد بهره قرار گیرد.

پژوهش حاضر از جهت بیان مؤلفه‌های تاریخی نقد متن در رسته نقد نظری با گرایش تطبیق گزاره‌ها می‌گنجد و از آن نظر که نمونه‌ها را وا می‌کاوود در حوزه نقد کاربردی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه

بسیاری از نگاشته‌های فقه الحدیثی بخشی را به بیان سنجش اخبار با تاریخ اختصاص داده‌اند. به جنبه‌های نظری بهره از این قاعده در نوشتارهایی چون «رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث» (۱۳۸۵)، «تاریخ در نقد حدیث» (۱۳۹۶)، «پیوند تاریخ با حدیث در میان مسلمین» (۱۳۸۶) و پایان‌نامه «نقش تاریخ در نقد و بررسی حدیث» (۱۳۸۵) توجه شده است. پیشینه توجه این نویسندگان به تأثیرگذاری حدیث بر تاریخ‌نگاری، شاخصه‌های نقد منقولات تاریخی و نقش تاریخ در واکاوی‌های سندی معطوف بوده است. مقاله «رهیافتی به ضوابط معیار قرار گرفتن تاریخ برای ارزیابی روایات» (۱۳۹۸) نیز به برخی ملاک‌های تشخیص تاریخ معتبر مانند اجماع مورخان، سکوت تواریخ و مورد عمل بودن روایت در بستر تاریخ توجه داشته است.

مقاله «روش‌شناسی سید مرتضی عسکری در نقد روایات تاریخی» (۱۳۹۹) نیز بیشتر به جنبه کاربرد تاریخ در زنجیره اسناد مانند زیست‌نامه وی و امکان حضور راوی در حادثه توجه داشته است. نوشتار «آسیب‌شناسی نقدهای تاریخی علامه شوشتری در حوزه روایات تفسیری» (۱۳۹۹) نیز به پیامدهای بهره نادرست از معیار تاریخ و در نظر نگرفتن همه شواهد تاریخی در روند نقد توجه داشته‌اند، گو اینکه خود در نقد نمونه‌ها گاهی دچار لغزش شده است.

در میان نگاشته‌های مرتبط با روش‌شناسی اندیشوران، مقاله «نقد تاریخی احادیث در تفسیر المیزان» (۱۳۹۴) کوششی ستودنی در تفکیک گونه‌های بهره‌وری از معیار تاریخ است که ۶ شاخصه کلی تاریخی برای نقد متن اخبار در تفسیر المیزان ارائه نموده است. این روند بنیادین هنوز جای گسترش و ژرف‌نگری بیشتری دارد. از این رو نوشتار حاضر با استفاده از الگوی خورشیدی در نظریه پردازی (بارش فکری) و با بهره از روش تحلیلی - اکتشافی و منابع کتابخانه‌ای در پی تبیین انواع معیارهای معتبر تاریخی برای نقد حدیث است و از نظر تقسیم‌بندی هندسی این سنجه‌ها، پژوهشی نوین شمرده می‌شود. تفاوت این نوشتار با سایر جستارها، در معرفی و تبیین انواع گونه‌های معروض علیّه برای فرآیند عرضه حدیث به تاریخ است. گام بعدی این روند،

پی‌ریزی الگوریتم عرضه حدیث به تاریخ است که پژوهشی نوین را می‌طلبد.

۲- انگاره‌ها و اصطلاحات بنیادین

۱-۲- تاریخ در لغت و اصطلاح

تاریخ از ماده «أرخ» مهموز الفاء بوده و درباب تفعیل در آن ابدال رخ داده به شکل «أرخ، یؤرخ، تأرخ» بکار می‌رود (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۵۶/۴). در لغت به معنای شناساندن وقت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۳) و در اصطلاح به معنای آشنایی با اوضاع و احوال جهان به همراه آگاهی از زمان وقوع رخدادهاست که موضوع آن احوال گذشتگان است (ابن خلدون، ۱۳۹۰: ۲/۱). ظاهر علم تاریخ، بیان اخبار و سرگذشت افراد و جوامع بوده درحالی که در باطن در پی علل و عوامل وقوع رخدادهاست (همان). مفهوم اصطلاحی تاریخ در نگاه‌های مسلمین درشش حوزه گاهشمار رخدادها، سیر زمان و حوادث، تاریخ نگاری (کرونولوژی)، تحلیل وقایع، شرح حال نگاری و نگارش‌هایی پیرامون فرهنگ اقوام و ویژگی‌های مجامع خرد و کلان انسانی سامان یافته است (صحرائی اردکانی، ۱۳۸۶: ۴۴).

۲-۲- نقد تاریخی متن

نقد، دانش کاربردی شناخت، تحلیل و ارزیابی پدیده‌ها، آثار و گزاره‌هاست که بر جنبه فهم متن و به چالش کشیدن منطقی آن استوار است. نقد متن، به آسیب‌ها، کاستی‌ها و نارسایی‌های علمی محتوا توجه داشته و می‌کوشد آنها را به گونه روش مندی بیان کند. در نقد متن مؤلفه‌هایی چون موضوع، محتوا و زبان متن مورد توجه دقیق قرار می‌گیرند (دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۴۷؛ درودی، ۱۳۹۲: ۴۷).

بایستگی پالایش اخبار منتسب به معصومین نیز به سبب ورود آسیب‌های گوناگون به حوزه سند و متن بر دانشوران پوشیده نیست. در دوره‌هایی از تاریخ اسلام، ساختن اخبار به دست حدیث‌پردازان آن‌چنان رواج داشت که صاحب نظران برای احادیث نا استوار از عبارت کنایی «مِن جراب النوره» استفاده می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۲/۴۸). در میان سنجه‌های گوناگون اعتبارسنجی متن حدیث، سنجه تاریخ به سبب درهم

تنیدگی جریان حدیث‌نگاری سه قرن نخستین پیدایش اسلام با سیره‌نگاری و بیان سنت معصومین و صحابه، معیاری در خور توجه است.

در قاعده‌عرضه حدیث به تاریخ، منظور از تاریخ، آگاهی اطمینان بخش به وقوع رخدادها در بستر زمان است. در این معیار، تاریخ به معنای گزارشی از رویدادها و افراد و نیز تحلیل تاریخی است. معیارهایی که در نقد تاریخی حدیث باید کشف شوند بر همه قرائن پیرامونی مانند تاریخ‌نگاری، پیشینه‌شناسی، تبارشناسی، تحلیل کنش‌ها، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و نیز بر سیاق، بافت و زبان متن بنا می‌شوند. بر این اساس، می‌توان نقد تاریخی متن را سازوکاری دانست که محدود به بهره‌گیری از معارف درون‌دینی نیست بلکه برای اعتبارسنجی متن حدیث به قانون علیت پدیده‌ها توجه داشته و از هر مؤلفه مناسبی که در پیوند با تاریخ معتبر است، بهره می‌جوید.

حجیت بهره از قاعده‌عرضه حدیث بر تاریخ، بر مبانی عقلی و نقلی استوار است. لزوم اعتبارسنجی اخبار آحاد در کنار اطمینان‌آوری گزاره‌های تاریخی معتبر، بنیان عقلی بایستگی عرضه حدیث بر تاریخ را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین روش قرآن و معصومین در بهره از تاریخ، دلیل شرعی برای اعتبار این قاعده شمرده می‌شود. علی‌السلام ثمره نگرش در تاریخ را کسب تجاربی به بلندای عمر آدمی و ایجاد صفت روشن بینی برای وی دانسته و آن را دست مایه نقد فرهنگ، رویه‌ها و سیاست‌ها ارزیابی می‌کند (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۹۲).

این معیار با عناوینی چون «تاریخ» (ادلبی، ۱۴۰۳: ۳۰۳)، «تاریخ ثابت» (حاج حسن، ۱۹۷۵: ۳۴۷)، «آثار مشهود تاریخی» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۲/۴)، «شهادت و ضرورت تاریخی» (معرفت، ۱۴۲۹: الف، ۹۳/۱)، «حقایق مسلم تاریخی عصر پیامبر ﷺ» (حاج حسن، ۱۹۷۵: ۳۴۶)، «قضایای مقرر در تاریخ» (عتر، ۱۹۷۹: ۳۱۴)، «تاریخ قطعی» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۳/۶) و «تاریخ صحیح» (سبحانی، ۱۴۱۹: ۶۵) در نگاشته‌های دانشوران عامه و خاصه آمده است. برخی نیز کاربرت تاریخ در نقد و فهم حدیث را منحصر به احادیثی می‌دانند که دال بر وقوع رخدادی هستند (دمینی، ۱۴۰۴: ۱۸۳).

۲-۳- حوزه داوری تاریخ در اعتبارسنجی حدیث

نیک روشن است که برخی موضوعات مندرج در روایات را نمی‌توان با سنج‌های جز

تاریخ ارزیابی کرد. برای نمونه روایات مربوط به جمع قرآن در عصر پیامبر ﷺ به شکل ترتیب کنونی را نمی‌توان با داوری عقل به ضرورت و مصلحت این کار برای آینده اسلام سنجید بلکه در این گونه موارد تنها می‌توان از گزارشات تاریخی بهره گرفت. چرا که برای هر حادثه تاریخی، سه رکن متن حادثه، زمان وقوع حادثه و مکان آن متصور است و این سه رکن درباره نگارش ترتیبی قرآن در عصر پیامبر ﷺ وجود ندارد (معرفت، ۱۴۲۹: ۲۸۹/۱).

از دیگر سو در برخی حوزه‌ها مانند عقاید، نمی‌توان از تاریخ برای اعتبارسنجی بهره برد. برخی از مخالفان اعتبار گزاره‌های تاریخی، حجت آفرین نبودن آنها را دست مایه انتقاد قرار داده‌اند، در حالی که بی‌ارزشی گزاره‌های تاریخی در امور دینی، ادعایی مبالغه آمیز است (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۳۰). چرا که بسیاری از گزارش‌های تاریخی در منظر عموم مردم عصر خود بوده و قطع آفرین هستند.

۲-۴- ملاک قبول گزاره‌های تاریخی

حصول یقین جازم، از گزاره‌های تاریخی در بسیاری موارد امکان‌پذیر نیست. اساساً در گزارش‌های تاریخی، نیازی به حصول قطع مسلم نیست بلکه شهرت یا استفاضه در نقل آنها سبب اطمینان می‌شود. اگر با استفاده از پیوند قرینه‌های گوناگون، نسبت به آن گزاره، اطمینان و دل‌آرامی حاصل شود، در اعتبار آن کافی خواهد بود هر چند ممکن است هر یک از آن قرائن و شواهد به تنهایی شایستگی نقد معتبر حدیث را نداشته باشند (یوسفی غروی، ۱۳۹۴: ۱۰۴؛ همو، ۱۴۱۷: ۶۵/۱).

مسائل تاریخی مانند مسایل فقهی نیست که نیاز به حصول حجیت تام داشته باشد. در این مسائل، ملاک عرفی برای نقل وقایع و حتی الزام به یک واقعه کافی است. منظور از ملاک عرفی، تجمیع قرائن است (یوسفی غروی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). در بادی امر، اصل عدم حدوث وقایع، به ظاهر مخالف تجمیع قرائن برای اثبات قضیه تاریخی است. اما اصل عدم حدوث وقایع، اصلی موافق روش عقلاء در پذیرش گزاره‌های تاریخی نیست. چرا که عرف، درباره مسائل تاریخی ابتدا قرائن موجود برای اثبات رخداد تاریخی را می‌کاود نه اینکه متوسل به اصالة العدم شود. در تجمیع قرائن اگر ظن

اعتماد آفرین حاصل شود، به وقوع رخداد تاریخی حکم خواهد شد. جریان دادن اصالة العدم و پابندی تام به صحت سندی سبب از دست رفتن بخش بزرگی از تاریخ خواهد شد.

بر این اساس، گزاره‌های تاریخی زمانی شایستگی نقد کنندگی خواهند داشت که سبب حصول اطمینان گردند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۷۵). برخی از ملاک‌های ایجاد اطمینان در گزاره‌های تاریخی عبارتند از: وجود وحدت رویه در میان تاریخ‌نگاران مذاهب و نحله‌های گوناگون، عدم وجود نقل مخالف، نبود انگیزه‌های جعل، مقبولیت عرفی، عدم مخالفت با قرآن، عدم مخالفت با سنت قطعیه و نیز عدم انفراد در امور مهم و عام‌البلوی (یوسفی غروی، ۱۳۹۴: ۱۰۴-۱۲۵).

۳- گونه‌های عرضه به تاریخ

مراد از گونه‌های تاریخی اعتبارسنجی محتوای حدیث، مؤلفه‌هایی است که در پیوند با تاریخ قرار داشته و سنجیدن روایت با آنها سبب ایجاد اطمینان به درستی یا ناستواری حدیث می‌شود. این مؤلفه‌ها از منابع گوناگون نقلی به دست آمده و با تحلیل عقلایی، مایه‌ای برای ترازیدن حدیث هستند. توجه به عواملی چون اوضاع و احوال سیاسی، شرایط حاکمان، فضای صدور حدیث و جایگاه اجتماعی راویان در برآوردن معیاری دقیق تر نقش آفرین خواهد بود.

۳-۱- عرضه به گزاره‌های تاریخی قرآنی

معتبرترین گزاره‌های تاریخی را از آیات وحی می‌توان جست. دو ویژگی استواری منبع نقل و خطا ناپذیری در گزارش، قرآن را از آسیب‌های شناختی دامن گیر منقولات انسانی در امان داشته است. همچنین قرآن مجید در بیان تاریخ گذشتگان، از افراد حقیقی و رویدادهای واقعی سخن می‌گوید که سبب زدایش آمیختگی قصص قرآنی با مؤلفه‌های خیالی داستان سرایی شده است. از دیدگاه این جستار، تاریخ قرآنی شامل دلالات برآمده از دسته‌ای از آیات قرآن است که با در نظر گرفتن هدایت بخشی به آدمی، جنبه گزارش تاریخی دارند. این دلالات گاهی مستقیماً از آیات قرآنی برکشیده

می‌شوند و گاهی به‌گونه غیرمستقیم و با استفاد از شناخت اسباب نزولی که در روایات معتبره بدان اشارت رفته است. از آنجا که روایات شأن نزول نیز بدون وجود آیات الهی، موضوعیتی ندارند، می‌توان آنها را از موارد مربوط به قصص قرآنی دانست. همان‌گونه که در ذکر قصص و اعلام قرآن از آنها بهره برده می‌شود. داستان‌های موجود در کتاب الهی، عیاری درون‌دینی برای نقد اخبار شمرده می‌شوند. مراد از مخالفت با داستان‌های قرآنی، مخالفت بین با انواع دلالات مربوط به قصص قرآنی است. از این‌رو، عدم موافقت یا سکوت قرآن درباره ماجرای را نمی‌توان شاخصه‌ای برای بی‌اعتباری حدیث دانست.

۳-۱-۱- تطبیق با زمان نزول آیه

آگاهی از زمان نزول آیات در سنجش اعتبار روایات تفسیری و فقهی نقش آفرین خواهد بود.

نمونه حدیثی

در خبری، ابو عبدالله جدلی از عایشه درباره کیفیت پارچه‌ای که پیامبر ﷺ در هنگام اولین نزول وحی خود را با آن پوشاند پرسش شده است. عایشه چنین پاسخ داد: «رواندازی موئین با طول چهارده ذراع بود که نیمی از آن بر من بود در حالی که خواب بودم و نیمی دیگر بر او بود» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵۸/۱۰). درحالی که سوره مزمل دومین سوره‌ای است که پس از بعثت در مکه نازل شد (واحدی، ۱۴۱۵: ۱۱۴۴/۲؛ آل غازی، ۱۳۸۲: ۹۰/۱). و نیز بنا بر گزارش‌های تاریخی، ازدواج پیامبر ﷺ اسلام با عایشه در مدینه روی داده است. دومورد از این گزارش‌ها عبارتند از: (۱) بخاری به اسناد خود از عایشه نقل می‌کند که گفت: «به هیچ زنی به اندازه خدیجه، حسادت نکردم؛ زیرا رسول خدا ﷺ زیاد از او یاد می‌کرد و سه سال بعد از خدیجه با من ازدواج کرد (بخاری، ۱۴۰۷: ۱۳۸۹/۳). (۲) ذهبی نیز می‌نویسد: «سوده در سال آخر خلافت عمر از دنیا رفت، او چهار سال تنها همسر رسول خدا ﷺ بود، هیچ زنی و هیچ کنیزی در آن چهار سال با سوده در این امر شریک نبود، سپس رسول خدا ﷺ با عائشه ازدواج کرد» (ذهبی، ۲۰۰۳: ۱۶۰/۲). در نتیجه، عائشه حداقل پس از سال سوم هجرت با آن حضرت ازدواج کرده

است و ممکن نیست که در هنگام نزول سوره مزمل همراه ایشان بوده باشد. خبر گرد آوردن فاطمه علیها السلام، عایشه و حفصه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء/ ۲۱۴) در برخی منابع روایی نقل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۹۶/۵). این خبر با آگاهی از اینکه آیه مذکور در سال پنجم بعثت نازل شده و در آن سال عایشه و حفصه هنوز در عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله نبودند استوار نمی نماید (مرتضی عاملی، ۱۴۰۳: ۴۰۳/۲). به ویژه اینکه آیه شریفه از انذار خویشاوندان سخن می گوید.

۳-۱-۲- توصیف قرآن درباره افراد، اقوام و رخدادهای

قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف، از برخی ویژگی‌های پیامبران، افراد و اقوام پیشین سخن گفته است. عرضه حدیث به آیاتی که در بردارنده ویژگی‌های گوناگون افراد، اقوام و رویدادهاست سنجه مناسبی برای اعتبارسنجی حدیث است. روایات مخالف با این دلالت‌های قرآنی مردود هستند ولی روایات موافق با آنها لزوماً معتبر ارزیابی نمی شوند.

نمونه حدیثی

عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۴۰/۲). این روایت را می توان به آیات قرآنی که از ویژگی‌های قوم یهود سخن می گوید عرضه کرد. قرآن کریم در آیاتی از تکذیب شدن و قتل گروهی از پیامبران به دست یهودیان سخن گفته است (مانده / ۷۰؛ جمعه / ۵؛ صف / ۵؛ احزاب / ۶۹؛ نحل / ۱۱۳؛ آل عمران / ۱۱۲؛ بقره / ۶۱). این آیات بیان گر رفتار بنی اسرائیل و یهودیان با پیامبران زنده دوران خویش است. افزون بر این قرآن در آیه ﴿فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ﴾ (آل عمران / ۱۸۴) از رضایت یهودیان عصر پیامبر به اقدامات پدرانشان مانند تکذیب پیامبران سخن می گویند. با این وجود چگونه ممکن است پس از تکذیب و کشتن پیامبران برای آنها بناهای یادبود بسازند؟! به نظر می رسد روایاتی از این دست برساخته افرادی باشد که در صدد شبیه سازی باور به زیارت قبور صالحان در آموزه‌های شیعه با پندارهای یهودی بودند.

۳-۱-۳- بهره از اسباب نزول

از آنجا که قرآن طی ۲۳ سال بر حسب مناسبت‌ها، مقتضیات زمانی و مکانی، وقوع رویدادها و ایجاد سؤالات و موقعیت سنجی در بیان آموزه‌ها نازل شد، دانشی با نام «اسباب نزول» شکل گرفت تا این علل و عوامل را بشناسد. در خور توجه است که گاهی اسباب نزول یک آیه امور مختلفی هستند که در کنار هم علتی برای نزول آیه به شمار می‌روند. روایات اسباب نزول به جهت بیان رخدادها و زمان‌ها در حوزه تاریخ اسلام قرار می‌گیرند.

نمونه حدیثی

در تفسیر آیه ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً﴾ (بقره/ ۲۷۴)، در روایتی آمده است که این آیه درباره انفاق عثمان و عبدالرحمان بن عوف در قضیه جنگ تبوک نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/۳۶۳). حال آنکه این آیه از آیات سوره بقره بوده و این سوره اولین سوره نازل شده پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه است، درحالی که به قطع تاریخی جنگ تبوک در سال نهم هجری اتفاق افتاده است (ترمانینی، ۱۳۸۵: ۱/۴۲).

همچنین درباره شأن نزول آیه جواز امور مباح در فاصله مغرب تا سحر شب‌های ماه مبارک رمضان (بقره/ ۱۸۷)، خبری وجود دارد که جریان پیرمردی از انصار را گزارش می‌کند. در باور وی، اگر روزه دار پیش از افطار خوابش می‌برد، اجازه افطار تا مغرب بعدی را نخواهد داشت (عنابه، ۱۴۱۱: ۱۱۰). در حالی که دسته‌ای دیگر از روایات، علت نزول آیه را سهل‌گیری بر جوانانی می‌داند که بنا بر عادت جاهلی، از مباشرت خاص با همسران خود در شب‌های ماه رمضان منع شده بودند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۶/۹۳). با دقت در اسناد این دو دسته از روایات می‌توان دریافت که هر دو جریان در نزول آیه نقش‌آفرین بوده‌اند و نمی‌توان حکم به نادرستی هیچ‌یک کرد.

۳-۲- عرضه به احادیث (گزاره‌های تاریخی سنت)

معصومین با بهره‌مندی از آگاهی‌های تاریخی که به سبب مقام علم الهی ویژه ایشان و مطالعات دقیق اکتسابی حاصل می‌آید، فرازهای اطمینان بخشی از تاریخ را

بازگو نموده‌اند. مهمترین دلیل بر استواری و درستی این گزاره‌ها، سرچشمه گرفتن آنها از خزانه علم الهی است که در روایاتی (ن. ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۹/۲۶-۱۷۶)، بدان اشاره شده است. این احادیث به شرط بهره‌مندی از اعتبار سندی و متنی، خود گونه‌ای از گزارش تاریخ شمرده می‌شوند که در پاره‌ای موارد برآمده از ارتباط خاندان رسالت با منبع الهی و در برخی موارد حاصل مطالعات در گفتار پیشینیان است. سفارش امامان در بهره از تاریخ برای گونه‌های ره‌جویی و هدایت یابی (شریف‌رضی، ۱۴۱۴: ۲۶۳) دلیلی نقلی بر کاربست تاریخ در قامت سنج‌های استوار ارزیابی می‌گردد.

نمونه حدیثی

روایات دال بر شبیه شدن قاتل حضرت عیسی علیه السلام به وی و مصلوب شدنش مانند «(جبرئیل) او را از روزنه منزلش به آسمان برد و شمایل او را بر کسی که قرار بود او را بکشد انداخت. پس او به جای عیسی کشته شد و مردم گفتند که او مسیح است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۰/۹) با روایات صحیح‌های که بر شبیه شدن یکی از حواریون ایشان به ظاهر عیسوی دلالت دارد مخالف است. روایت عیسی علیه السلام فرمود: پروردگار بر من وحی کرد که هم اکنون مرا به سوی خود بالا برد، و مرا از میان یهودیان پاک می‌کند. پس کدام یک از شما داوطلب می‌شود که به شکل من در آید و خداوند شکل مرا به او بدهد و به جای من کشته شده و مصلوب گردد و همراه من در بهشت باشد؟ جوانی از آنان گفت: «من حاضر» (قمی، ۱۴۰۴: ۱۰۳/۱) در همین راستا، سنج‌های برای نامعتبر بودن اخبار مقطوع السند دسته اول است.

۳-۳- عرضه به سیره معصومین

سیره، مصدر نوعی از ماده «سیر» به معنای روش و منهج (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۰۷) و در اصطلاح، عبارت است از تکرار و استمرار روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترك عملی واحد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲: ۵۷۳/۴). یکی از گونه‌های اعتبارسنجی تاریخی احادیث، عرضه آنها به سیره صحیح‌ه معصومین است. گرچه سیره خود از مقوله حدیث و تاریخ است و نقد حدیث با آن زیر مجموعه نقد حدیث با سنت صحیح‌ه است؛ اما سیره به سبب بهره‌مندی از تواتر، اطمینان بخش بوده و شایستگی

این را دارد که معیاری برای اعتبارسنجی حدیث قرار بگیرند. در واقع عرضه حدیث به سیره صحیحه گونه‌ای از عرضه به مفهوم متواتری است که این مفهوم گاه از حدیث بر می‌آید، گاه از قرآن و گاهی از نقل مردمان عادی.

نمونه حدیثی

روایات دالّ بر منع از حجامت و نوره کشیدن به‌خاطر نامبارکی زمان‌ها (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۵۵/۱۱) با سیره معصومین مبنی بر انجام این امور در این روز ناسازگار است. امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام هادی علیه السلام برخلاف عقیده رایج در میان مردم، چهارشنبه حجامت می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۹۸/۱؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۱۹۲). همچنین امام صادق علیه السلام نیز نوره کشیدن در هر زمانی را مایه پاکی دانسته‌اند (همان، ۱۹۸). شیخ صدوق نیز پس از نقل روایات نهی از نظافت در چهارشنبه، می‌نویسد: «در بسیاری روایات جایز بودن این کار و حتی برتری و رجحان آن نقل شده است» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۸۷/۱).

همچنین برخی روایات مربوط به شأن نزول آیات ابتدایی سوره عبس که حاکی از ترش رویی پیامبر صلی الله علیه و آله با ابن‌امّ مکتوم نابینا هستند (واحدی، ۱۴۱۱: ۴۷۱). در حالی که گزارش‌های روایی عام درباره ویژگی‌هایی چون مردم‌داری، اخلاق‌مداری و رأفت ایشان و نیز روایات خاص درباره محبت و اکرام پیامبر صلی الله علیه و آله بر ابن‌امّ مکتوم (حویزی، ۱۴۱۵: ۵۰۹/۵) ناسازگار بوده و بی‌اعتبار می‌نمایند.

۳-۴- واکاوی در قرائن پیرامونی حدیث

با توجه به حدود ۳۴۰ سال حضور معصومان در جامعه، از بعثت نبوی تا ابتدای دوران غیبت کبری، سنت در شرایط گوناگونی شکل می‌گرفت. توجه به فضای حاکم بر عصر صدور حدیث از منظر جریان‌های فکری، سیاسی، حاکمیتی، فقهی و... سنجه خوبی برای نقد و فهم حدیث به شمار می‌رود. نیک هویدا است که در تطبیق مفهوم بر آمده از حدیث با مؤلفه‌های فضای صدور حدیث (قرائن جامعه شناختی) تنها احادیثی بی‌اعتبار تلقی می‌شوند که مخالفت آنها با قرائن پیش گفته قابل تأویل نباشد. برخی از مؤلفه‌های پیرامونی صدور حدیث، سبب شکل گرفتن حالتی در حدیث

می‌شود که به «تاریخیت اثر» (دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲) یا «قضیه فی واقعه» نام بردار است. این موارد، تناسب محتوای حدیث با موارد قضایای خارجی و سوگیری‌های موضوعی حدیث را روشن می‌سازند (کرجی، ۱۳۸۰: ۱۸۸). بررسی قرائن حالیه در کشف سبب و فضای صدور حدیث بسیار رهگشا هستند. پاره‌ای از این موارد، مانند فضای صدور، از نوع قرائن متصل محسوب می‌شوند که سبب تقیید یا تخصیص حدیث خواهند بود (مظفر، ۱۳۸۶: ۳۱۱/۱).

۳-۴-۱- گرایش‌ها و فضای سیاسی عصر صدور

با گسترش قلمرو حکومت اسلامی و مهاجرت برخی صحابه و تابعین به شهرهای مختلف، گرایش‌های حدیثی، مذهبی و سیاسی خاصی در آن شهرها برجسته می‌شد. بارزترین نمونه این گرایش‌ها را در قرائات گوناگون قرآن از مصاحف اصحاب چون قرائت اهالی حمص از مصحف معاذ بن جبل، خوانش اهالی دمشق از مصحف ابی بن کعب و ابو الدرداء، پیروی مردم بصره از مصحف ابوموسی اشعری و قرائت مردم بصره از مصحف ابن مسعود می‌توان دید (رامیار، ۱۳۸۹: ۳۴۰، ۳۶۴، ۳۸۰، ۳۸۲).

نمونه حدیثی

روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن مجتبی علیه السلام (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۹/۲۲) در فضایی بیان شده که عباسیان با قیام‌های سادات حسنی روبرو بوده و ارکان حکومت خویش را در خطر می‌دیدند. همچنین بنا بر پژوهش به عمل آمده نخستین کتابی که به نگارش این قضیه پرداخته، از قول علی بن عبدالله بصری مشهور به مدائنی (۲۲۵م) این خبر را نقل نموده‌اند (طائی، ۱۴۳۱: ۴۷). افزون بر اتصاف وی به دروغ‌گویی در کتب رجالی، ریشه این امر به دوران امویان نیز بر می‌گردد که در عصر منصور دوانیقی برای مخالفت با سادات حسنی این خبر با سندهای مختلف منتشر شد (همان، ۷۳). او اخبار خود را از عوانة بن حکم می‌گرفت که یکی از خبرسازان دستگاه اموی بوده و همچنین تحت تأثیر سمره بن حبیب بود که از دشمنان اهل بیت علیهم السلام شمرده می‌شد (عسقلانی، ۱۹۷۱: ۳۸۶/۴). نخستین منبع قابل توجه امامی، که از این جریان سخن گفته کتاب المحاسن برقی (۲۷۴م) است (برقی، ۱۳۷۱: ۶۰۱/۲).

۳-۴-۲- فرهنگ و عادات اجتماعی

یکی از حکمت‌های جاودانگی دین اسلام تطابق احکام آن با زمان‌ها و مکان‌هاست. نمونه‌هایی از توصیه اهل بیت علیهم‌السلام به توجه به زمان‌ها و مکان‌ها برای گزینش حکم مناسب در گزارش‌های روایی یافت می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۹/۱۲). توجه به گونه‌های اقوام عصر صدور حدیث نیز نه تنها در نقد آن بلکه برای فهم آن نیز اثر بخش است. برای نمونه برای فهم حدیث نهی از معامله با اکراد (همان: ۳۸/۱۰)، باید مراد از واژه «اکراد» را در این عبارت شناخت. علامه مجلسی براین باور است که این گروه، شاخه‌ای از قوم کرد بودند که در مدینه زندگی می‌کردند و در معاملات معمولاً اهل نیرنگ و کم فروشی بودند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۵/۱۹). پس نمی‌توان همه قوم کرد را متهم به این صفت دانست.

برای آگاهی از عادات عصر جاهلی، مراجعه به نگاشته‌هایی که با عنوان «ایام العرب» در میان ایشان رواج داشت سودمند خواهد بود. کتاب «المُحَبَّرُ وَ الْمُنَمَّقُ» از محمد بن حبیب (۲۴۵ق) و «المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام» جواد علی (۱۳۶۶ش) منبع خوبی در این زمینه خواهد بود.

نمونه حدیثی

روایت نبوی «صَاحِبُ الْحَيَوَانِ بِالْخِيَارِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۷۴/۱۰) را نمی‌توان با فرمایش «صَاحِبُ الْحَيَوَانِ الْمُشْتَرَى بِالْخِيَارِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶۷/۷) از امام رضا علیه‌السلام تقیید زد و به انحصار حق فسخ برای مشتری در معامله حیوان معتقد شد. چرا که با بررسی تاریخ در می‌یابیم روایت نبوی در دوره‌ای صادر شده که تجارت میان مردم بسیار ساده بوده و تبادل کالاها مانند فروش حیوان به حیوان بسیار رایج بوده؛ ولی روایت امام رضا علیه‌السلام در زمانه‌ای بیان شده که معمولاً خرید حیوان در عوض پرداخت پول واقع می‌شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۲۶۳/۴). از این رو روایت اول از وجود خیار برای دو طرف معامله (که هر دو هم خریدار حیوان دیگری هستند و هم فروشنده حیوان خود) سخن می‌گوید و روایت دوم از وجود خیار برای خریدار حیوان. روایت «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ» (بیهقی، ۱۳۴۴: ۷۸/۴) با بسیاری از روایات

مانند «أَمَّا زِيَارَةُ الْقُبُورِ فَلَا بَأْسَ بِهَا، وَلَا تُبْنَى عِنْدَهَا الْمَسَاجِدُ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵/۵۶۴) و سیره معصومین علیهم‌السلام بر زیارت قبور مخالف می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۹/۷۹). با دقت در زمانه صدور حدیث اول دانسته می‌شود که در آن عصر رسوم و عادات جاهلی درباره کشتگان جنگ‌ها جاری بود. یکی از آن رسوم، تبرج و پرده دری زنان در نوحه‌گری بر قبور مردگان بود. این عادت سبب شد تا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای زدودن آن، در برهه‌ای از زمان از زیارت قبور توسط زنان منع فرمایند. پس از کمرنگ شدن این عادت، در دوره‌های بعدی عمل عاطفی و فطری زیارت قبور در سیره معصومین علیهم‌السلام متداول گشت (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۵۳۱/۱؛ نوری، ۱۴۰۸: ۲/۳۶۴).

۳-۴-۳- ابزار آلات

آگاهی از ابزار آلات رایج در فضای صدور حدیث برای فهم، نقد و حل تعارض احادیث نقش‌آفرین خواهد بود.

نمونه حدیثی

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام درباره میزان کَر آمده: «الْكُرُّ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي لَا يَتَجَسَّهٗ شَيْءٌ أَلْفٌ وَ مِائَتَا رَطْلٍ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۱/۱) و در حدیث دیگری از ایشان آمده: «أَنَّ الْكُرَّ سِتْمَانَةٌ رَطْلٍ» (همو، ۱۳۹۰: ۱۱/۱). برحسب ظاهر حدیث دوم، میزان کَر را ششصد رطل بیان کرده‌است. مخاطب در حدیث اول عراقی بوده و در دومی محمد بن مسلم که از قبیله ثقیف طائف بود. و امام با ابراز معهوده مکیان با او صحبت کرده‌اند. چرا که رطل عراقی حجمی به میزان نصف رطل حجازی داشت (مجلسی، محمد تقی، ۱۴۰۶: ۴۰/۱).

بر اساس خبر «علی علیه‌السلام بر نعلین مسح می‌کرد و بندهای کفش را نمی‌گشود» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۱۸/۱)، علی علیه‌السلام بدون باز کردن بندهای کفش بر روی آن مسح می‌کشید. در حالی که مسح بر روی پوست پا، حکمی اجماعی نزد امامیه بوده و کمینه عرض آن به اندازه سه انگشت چسبیده و طول آن از انگشتان پا تا کعبین تعیین شده‌است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۹). توجه به شکل ظاهری نعلین عربی گشاینده این ابهام خواهد بود؛ چرا که این گونه از پاپوش‌ها تنها با بندهایی نازک به روی پا متصل

می‌شد و مانعی برای مسح انگشتان پا تا کعبین فراهم نمی‌آورد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۱۷/۱).

۳-۴-۴- سیر تنزیلی تشریح

توجه به تاریخ‌نگاری و سیر تشریح احکام، راهنمای خوبی برای سنجش احادیث است. افزون بر جستجوهای تاریخی برای کشف نزول و صدور احکام، دو مؤلفه اتفاق علماء بر آن حکم فقهی و موسمی نبودن (عدم وجود نسخ) سنجه‌هایی برای معتبر بودن بهره از این معیار در نقد سندی است.

نمونه حدیثی

روایات دال بر تجویز قمار کردن از سوی پیامبر اسلام ﷺ و انجام این عمل توسط ابوبکر برای شرط بندی با مشرکین بر پیروزی رومیان بر ایرانیان که ذیل آیه دوم سوره روم بیان شده (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۵۰/۵) است که با سیر تشریح احکام ناسازگار می‌نماید. چرا که حکم حرمت هر اثمی در ابتدای بعثت طی آیاتی (اعراف/ ۳۳) نازل شده و آیه ۲۱۹ سوره بقره نیز به بیان برخی از مصادیق آن پرداخته است. از آنجا که حرمت شراب و قمار از همان ابتدای بعثت ثابت بوده و از شاخصه‌های دین جدید شمرده می‌شد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۴/۱۶)، چگونه آورنده آن، به تجویز این حکم فرمان می‌دهد؟! علامه عسکری روایات طبری، درباره دیدار رسول خدا ﷺ با همسر زید بن ثابت یعنی زینب بنت جحش و دیدن چهره بی حجاب او (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۲) را به سبب مخالفت با تاریخ تشریح حجاب و نیز پیوند خانوادگی پیامبر ﷺ و زینب که دیدارهای فراوان پیامبر ﷺ با او را به همراه داشت، مردود می‌داند (عسکری، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

۳-۴-۵- وجود واژگان نامتعارف

احتواء روایات بر واژگان نامتعارف در عصر صدور و نیز در برداشتن عبارات تخصصی علمی مانند فقه و کلام که در دوران‌های بعدی ایجاد شده، دلیلی بر ساختگی بودن آن است. البته این حکم در صورتی جریان می‌یابد که نتوان تأویل مناسبی از محتوای حدیث یا وجه جمع مقبولی میان مدلول حدیث و مفاهیم به ظاهر متعارض برقرار کرد. مثلاً اگر در خبری منتسب به پیامبر ﷺ از مرجئه، قدریه و روافض

یاد شده باشد، شائبه قوی بر ساختگی بودن آن وجود دارد. چرا که اولین مخاطبان پیامبر اسلام همان مردم زمانه بودند که با این کلمات بیگانه بودند. حمل سخنانی که دالّ از اخبار معصومین از آینده است نیز دلایل قطعی مانند سند استوار، جهت صدور و اثبات جنبه اعجاز آمیز آنهاست. بدون اثبات این شرایط، نمی‌توان هر خبری که در بردارنده واژگان و مفاهیم نامتعارف است را از گونه اخبار غیبی معصومین شمرد.

نمونه حدیثی

روایت «رسول خدا ﷺ هر گاه می‌خواست آب بینی خود را بیندازد و مردم در برابرش بودند، سرش را می‌پوشاند و آن را دفن می‌کرد و زمانی که می‌خواست آب دهانش را بیندازد چنین می‌کرد و وقتی می‌خواست به مستراح برود، سر خود را با چیزی می‌پوشاند» (راوندی، بی‌تا: ۴۳) به سبب در برداشتن واژه «کنیف» نا استوار می‌نماید. چرا که این واژه پس از اسلام برای محل قضای حاجت جعل شد و بنا بر گزارشات تاریخی و روایی، اعراب پیش از اسلام برای قضای حاجت به صحرا می‌رفتند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۲/۶).

خبر ابن عباس از پیامبر ﷺ که فرمود: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَيْسَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبُ الْمَرْجِئَةِ وَالْقَدَرِيَّةِ» (ترمذی، ۱۹۹۸: ۲۲/۴) نیز در همین راستا قابل نقد است.

۳-۴-۶- توجه به مکان و زمان صدور حدیث

آگاه بودن به مکان، مختصات و شرایط جغرافیایی صدور حدیث، می‌تواند در نقد تاریخی حدیث ثمر بخش باشد «مروج الذهب و معادن الجواهر» و «التنبیه و الاشراف» به کوشش مسعودی، در بردارنده گزاره‌های تاریخی از جغرافیای شهرهای سده‌های نخستین اسلامی، به دست می‌دهد. کتاب‌های «تاریخ خلیفه بن خیاط (۲۴۰م)»، «تاریخ الامم و الملوک» طبری و «المعرفه و التاریخ» یعقوب فسوی (۲۷۷م) آگاهی‌های مناسبی از سال شمار وقایع در بردارند. امامان اهل بیت نیز تأخر صدور را ملاکی برای اعتبار حدیث شمرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲۶/۱).

نمونه حدیثی

برای نمونه، مرحوم سید بن طاووس در کتاب الطرف خلاصه خبری را از عیسی بن

مستفاد نقل می‌کند که تعداد کلمات آن به حدود ۴۵۰۰ واژه می‌رسد. این خبر، گزارشی از وصیت امام کاظم علیه السلام در هنگام وفاتشان است. مضمون این خبر، بر مظلومیت اهل بیت و دستور پروردگار به پیروی از ایشان رهنمون است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷۶/۲۲-۴۸۹). بنابر گزارش‌های مسلم تاریخی، امام هفتم شیعیان در زندان سندی بن شاهک در بغداد به تنهایی به سر می‌برد (ن. ک: عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷: ۶۹۵). و نقل این مقدار جملات از ایشان در شرایط زندان انفرادی بسیار بعید می‌نماید.

روایت «الْفِرَارُ مِنَ الطَّاعُونَ كَالْفِرَارِ مِنَ الرَّحْفِ: فرار از طاعون مانند فرار از یورش دشمن است» (دولابی، ۱۴۲۱: ۱۰۳۴/۳) در همه شرایط صادق نیست. امام کاظم علیه السلام شرایط صدور این خبر را درباره افرادی می‌داند که در مرزها در حال جنگ با دشمنان بودند و به جهت ترس از طاعون شهرهای مرزی را خالی می‌کردند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۵۴).

۳-۵- تاریخ‌نگاری منبع نقل حدیث

نیک روشن است که بررسی برای رسیدن به نخستین منبع نقل حدیث، نقش مهمی در اعتبار یابی حدیث دارد. این معیار برای نقد احادیث منفرد بسیار سودمند است. چرا که اگر در منابع دوره‌های نخست از اخبار منقول در جوامع روایی متأخر اثری نباشد، شائبه جدی بر وضع و جعل آنها وجود دارد.

نمونه حدیثی

خبر احتجاج پیرمرد شامی با امام سجاده علیه السلام هنگام ورود کاروان اسیران اهل بیت به شام و جریان توبه آن پیرمرد، در «کتاب الفتوح» نوشته ابن اعثم کوفی (۳۱۴م) ذکر شده است (کوفی، ۱۴۱۱: ۱۳۰/۵). پژوهش‌های انجام گرفته درباره منابع متقدم فریقین نشان می‌دهد که تا پیش از قرن چهارم هیچ خبری با این محتوا وجود نداشته است. نخستین منبع شیعی که این روایت را نقل کرده کتب «الاحتجاج علی اهل اللجاج» مرحوم امین الاسلام طبرسی (۵۸۸م) است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۶/۲). از این رو نمی‌توان مؤیدی بر پذیرش این خبر منفرد یافت (یوسفی غروی، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

۳-۶- بررسی احوال شخصیت‌های موجود در متن (تبار شناسی افراد

(متن حدیث)

یکی از سنجه‌های اعتبار یابی حدیث، تطابق میان زیست‌نامه افراد و آن رخدادهاست. هم‌پوشان نبودن دو مؤلفه پیش گفته، یا به نحو عدم اثبات حضور شخص در آن رخداد به نحو کبروی است یا صغروی. در گونه اول، به جهت عدم تطبیق زمانی یا مکانی میان فرد و رخداد تاریخی باید حکم به ناستواری حدیث کرد. و در گونه دوم عدم تطبیق میان حضور فرد و رخداد تاریخی، با دلایل دیگری چون مذهب فرد و... آشکار می‌شود.

ویژگی‌هایی چون تاریخ حیات، انساب، سفرها، محل زندگی، خویشاوندان و همه آنچه مربوط به زیست‌نامه یک شخص است و در علم تراجم از آن سخن گفته می‌شود، قرائن مناسب را به دست می‌دهند که در روند نقد حدیث به کار می‌آیند.

۳-۶-۱- صفات و انگیزه‌های افراد

کشف صفات و انگیزه‌های شخصی افراد نیز می‌تواند در نقد حدیث راهگشا باشد (صالح، ۲۰۰۹: ۲۶۶، حاج حسن، ۱۹۷۵: ۳۴۵). برای نمونه حدیث ابن عمران از پیامبر ﷺ درباره جواز نگهداری کلب صید و ماشیه را با حدیث ابوهریره که به آن کلب زرع هم افزوده بود مقایسه کرده و از قول عبدالله بن عمر می‌گوید: «ابوهریره، چون خودش کلب زرع داشت، روایت را چنین تغییر داد» (بیهقی، ۱۳۴۴: ۱۹۴/۲).

روایت «عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ مِنْ صَالِحِي قُرَيْشٍ» (ترمذی، ۱۹۹۸: ۶۸۸/۵) به سبب مخالفت با تاریخ صحیح مردود است (سبحانی، ۱۴۱۹: ۱۵۸). چرا که بر اساس گزارش‌ها و تحلیل‌های تاریخی، وی از فتنه‌انگیزان تاریخ صدر اسلام بود نه از صالحان و پیامبر ﷺ اجتماع او و معاویه را سبب فتنه دانسته و بر او نفرین کرد (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۵۲۶/۷).

۳-۶-۲- سفرها

یکی از قرائن درونی حدیث که پی‌رنگی تاریخی دارد، بررسی سفرهایی است که

می‌توان از دلالات حدیث برکشید. تطبیق این سفرها با وقایع قطعی تاریخی، سنجهای برای راستی آزمایی حدیث است. برای نمونه شیخ طوسی به اسناد خود دیدار ابوالحسن بن علی خزاعی و برادرش دعبل را با امام رضا علیه السلام در سال ۱۹۸ قمری در طوس نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۵۹). در حالی که امام هشتم در سال ۲۰۰ قمری وارد طوس شدند.

همچنین روایت «إِنَّ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ وَهُوَ يُرِيدُ الْحَجَّ، فَبَعَثَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۳۵/۱۵) مورد تأیید مورخان نیست. چراکه بر حسب اتفاق تاریخ‌نگاران، یزید تا پایان عمر هرگز از شام خارج نشده بود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۸/۲۶).

۳-۶-۳- وقوع رخداد‌های مسلم در زیست‌نامه افراد

اگر از انواع دلالات حدیث بتوان گزارش‌هایی از ماجراهای زندگی افراد برکشید، سنجهای مناسب برای اعتبار سنجی آن‌خبر در اختیار خواهد بود. در این گونه موارد، این ماجراها قابل تطبیق با گزاره‌های حتمی تاریخی پیرامون همان موضوع است. برای نمونه روایت «كَانَ الْمُسْلِمُونَ لَا يَنْظُرُونَ إِلَى أَبِي سُفْيَانَ وَلَا يُقَاعِدُونَهُ فَقَالَ لِلنَّبِيِّ يَا نَبِيَّ اللَّهُ ثَلَاثٌ أَعْطَيْتَهُنَّ قَالَ «نَعَمْ». قَالَ عِنْدِي أَحْسَنُ الْعَرَبِ وَأَجْمَلُهُ أُمُّ حَبِيبَةَ بِنْتُ أَبِي سُفْيَانَ أَرْوَجُكَهَا قَالَ «نَعَمْ» (بیهقی، ۱۳۴۴: ۱۴۰/۷) با تاریخ صحیح مخالف است چراکه اباسفیان پس از فتح مکه در سال هشتم هجری اسلام آورد و ام حبیبه در سال ششم یا هفتم هجری به تزویج پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد (صنعانی، ۱۴۱۷: ۱۲۲/۱). بر این اساس، پیشنهاد اباسفیان به پیامبر صلی الله علیه و آله برای ازدواج با دخترش استوار نمی‌نماید.

در روایتی به نقل از ابوهریره می‌خوانیم که او بر رقیه - دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و همسر عثمان - وارد شد، در حالی که در دستش شانه‌ای بود و گفت: «انذکی پیش، رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون رفت و من موهایش را شانه کردم (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۸/۴). به نوشته حاکم در مستدرک، این حدیث اسناد صحیحی دارد، ولی متن آن صحیح نیست، زیرا با تاریخ قطعی سازگار نیست. چون رقیه در سال سوم هجری، هنگام جنگ بدر رحلت کرد و در آن زمان ابوهریره اساساً مسلمان نشده و هنوز به مدینه نیامده بود. وی پس از فتح خیبر مسلمان شده است (همان).

۳-۶-۴- بررسی تبار و خانواده افراد

روایت دال بر اعجاب پیامبر ﷺ از دیدن همسر زید بن حارثه (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۲)، با گزاره‌های قطعی پیرامون پیوند خانوادگی میان پیامبر اسلام و زینب استوار نمی‌نماید. چراکه زینب دختر امیمه بوده و دختر عمه پیامبر ﷺ شمرده می‌شد و پیش از ازدواج زینب، پیامبر اسلام بارها وی را دیده بود و به گواهی تاریخ، ازدواج او با زید بن حارثه به پیشنهاد خود پیامبر ﷺ بود (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰۲/۵). پس دیدن چهره زینب نباید سبب شگفتی و شور پیامبر ﷺ در رغبت به ازدواج با وی شود. افزون بر این موارد، چنین عملی با شأن پیامبران که حافظان ناموس و پدران امت هستند ناسازگار است.

۳-۶-۵- زمان وفات

معیار قرار دادن زمان وفات افراد تأثیر گذار در متن روایت، روشی برای راستی آزمایی گزارش‌های موجود در اخبار است. در این روش، کنش‌گری افراد پس از زمان وفاتشان، نشانه جعل یا وقوع آسیب‌های حدیثی است. برای نمونه، در روایتی از انس بن مالک چنین آمده است: «أقبل رسول الله ﷺ من غزوة تبوك فاستقبله سعد بن معاذ الأنصاري فصافحه النبي» (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۳/۳۱۷) اعتباری ندارد. چرا که سعد بن معاذ اوسی انصاری در سال ۳۲ قبل از هجرت به دنیا آمد و در سال پنجم هجری در جریان جنگ خندق هدف تیری قرار گرفت و پس از یک ماه به شهادت رسید (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳/۳۲۱). از دیگر سو غزوه تبوک به اتفاق همه تاریخ‌نگاران در ماه رجب سال نهم هجری رخ داد (واقعی، ۱۴۰۹: ۳/۱۰۰۰).

روایت نبوی «اتقوا البرد، فإنه قتل أخاكم اباالدرداء» نیز به سبب مخالفت آن با تاریخ مرگ اباالدرداء پس از رحلت پیامبر اسلام موضوع شمرده شده است (ادلی، ۱۴۰۳: ۳۲۶).

۳-۶-۶- تطبیق تاریخ حیات دو شخص

اگر روایتی گزارش دهنده ماجراهای میان دو یا چند نفر باشد، می‌توان از مؤلفه‌های گوناگونی برای راستی آزمایی آن گزارش‌ها بهره برد. یکی از این مؤلفه‌ها، تطبیق دوره زیستی این افراد است. این روش، شبیه کشف طبقات سلسله راویان در اسناد روایات

است. برای مثال، بنا بر گزارش ابو نصره از روزهای منتهی به شهادت امام باقر علیه السلام، ایشان جابر بن عبدالله انصاری را فراخواند تا مشاهدات خویش دربارهٔ صحیفه حضرت زهرا علیها السلام را گزارش کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۴۰/۱). مورخان، تاریخ وفات جابر را بین سال‌های ۶۸ تا ۷۹ هجری دانسته‌اند (دینوری، ۱۹۶۸: ۷۰). حال آنکه شهادت امام باقر علیه السلام بین سال‌های ۱۱۳ تا ۱۱۸ ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۲/۴۶-۲۱۹) پس حضور جابر در بالین امام باقر علیه السلام در هنگام احتضار ایشان با تاریخ سازگار نیست.

همچنین روایتی که حاکی از ملاقات شبانه اصمعی با امام سجاده علیه السلام در کنار خانه خداست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰/۴۶) با در نظر گرفتن زمان حیات او و تاریخ شهادت امام سجاده علیه السلام استوار نمی‌نماید. بنابر گزارشات تاریخی ایشان در یکی از سال‌های بازه زمانی ۹۲ تا ۱۰۰ قمری از دنیا رفتند که سال ۹۴ مشهورتر می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۱/۴۶). در حالی که تاریخ وفات اصمعی را میان سال‌های ۲۱۰ تا ۲۱۷ هجری نقل کرده‌اند (سیرافی، ۱۹۶۶: ۱۵۳).

۳-۷-۷- تطبیق با رویدادهای قطعی

این مؤلفه دربارهٔ احادیثی که خبر از رخدادهایی در زمان خاص می‌دهند مفید است.

۳-۷-۱- وقایع قبل از صدور حدیث

یافتن تاریخ رویدادهای بیان شده در حدیث وانطباق آنها با وقایع پیشین تاریخی یکی از راه‌های اعتبار سنجی محتوای حدیث است. برای نمونه، روایت «أَنَّ النَّبِيَّ دَخَلَ مَكَّةَ فِي عُمْرَةِ الْقِصَاءِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَمْشِي» (بیهقی، ۱۳۴۴: ۲۲۸/۱۰) با حقیقت تاریخی دربارهٔ زمان مرگ عبدالله بن رواحه ناسازگار است. به گواهی تاریخ وی چهار ماه پیش از فتح مکه در غزوه موته از دنیا رفت (دمینی، ۱۴۰۴: ۱۸۵).

۳-۷-۲- وقایع پس از صدور حدیث

تطبیق اخبار آتی موجود در گزارش‌های روایی با وقایعی که پس از صدور حدیث، رخ نموده‌اند، یکی از راهکارهای اعتبار سنجی حدیث است. برای مثال، روایت «لَا

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ مِائَةٌ سَنَةً وَعَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ نَفْسٌ مَنفُوسَةٌ» (ابن حبان، ۱۴۰۸:ق: ۲۵۴/۷) مخالف حقیقتی تاریخی است. چرا که افراد زیادی پس از سال صدم هجری زندگی کردند. البته بنا بر برخی گزارش‌ها مراد پیامبر ﷺ افرادی بوده که در زمان صدور روایت زنده بودند (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۳/۲۹۳) و از این حیث حدیث دچار افتادگی شده است.

۳-۸- واکاوی در امور عام‌البلوی

امور دینی فراگیر و عام‌البلوی به آموزه‌هایی گفته می‌شود که عموم مسلمین در زندگی خود به جهت کاربست فراوان این امور، نیازمند دانستن آنها هستند. برخی معتقدند که آگاهی از برخی روایات بر همه مسلمین واجب است و برخی دیگر بر اساس عادت بایسته است به شکل متواتر نقل شوند. نقل منفرد این روایات دلیلی بر ساختگی بودن آنهاست. براین اساس شایسته نیست، موضوعی که همه امت به دانستن آن نیاز دارند، به شکل خبر واحد نقل شود (سبحانی، ۱۴۱۹: ۳۵۰؛ سباعی، ۱۹۷۶: ۲۷۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲/۳۵۴).

نمونه حدیثی

روایت «مَنْ أَصَابَهُ قَيْءٌ أَوْ رُعَافٌ أَوْ قَلَسٌ أَوْ مَذْيٌ، فَلْيَنْصِرِفْ، فَلْيَتَوَضَّأْ، ثُمَّ لِيَبْنِ عَلَى صَلَاتِهِ، وَهُوَ فِي ذَلِكَ لَا يَتَكَلَّمُ» (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ۲/۲۸۱) که بیان‌گر تجدید وضو به سبب تهوع، آب بینی و خروج مذی است؛ به سبب نقل منفرد از اسماعیل بن عیاش، قابل پذیرش نیست (دمینی، ۱۴۰۴: ۴۷۸). چرا که این وقایع، مورد ابتلای عموم مردم است و نیز نقل حکم آنها توسط چندین نفر و دانستن حکم آنها برای عموم جامعه مسلمان بایسته می‌نماید.

۳-۹- تحلیل عقلانی تاریخ

حدیث پژوه با تطبیق و چیدمان وقایع تاریخی، شرایط صدور و تحلیل گزارش‌ها به بینشی دست می‌یابد که بر آمده از روشی عقلانی و برهانیست. این گونه از واکاوی‌ها در بررسی متن حدیث بسیار نقش‌آفرین است.

۳-۹-۱- سبر و تقسیم عقلانی مدلول روایت

سبر در لغت به معنای بررسی و آزمایش و تقسیم به معنای بخش کردن چیزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۵۱/۷). منظور از این روش، بررسی همه احتمالات مختلف در پاسخ به یک موضوع و رد کردن احتمالات نادرست با هدف باقی ماندن تنها احتمال صحیح است (محقق گریفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۲).

آیت الله سبحانی در تحلیل روایت عروه که گفت: «أن النبی صلی الله علیه و سلم خطب عائشة إلی أبی بکر فقال له أبو بکر إنما أنا أخوک فقال أنت أخی فی دین الله و کتابه وهی لی حلال» (بخاری، ۱۴۰۷: ۱۹۵۴/۵)، معتقد است که تاریخ صحیح دلالت بر نادرستی این روایت می‌کند. چرا که مراد ابوبکر از عبارت «انما أخوک» یا برادری نسبی است که بطلان آن واضح است. یا برادری اسلامی برآمده از آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات/ ۱۰) است که این امر هم مانع از ازدواج نمی‌شود. پس حتما مراد وی، مصاحبت و هم‌راهی با پیامبر ﷺ است و بر اساس تاریخ، این هم‌راهی تنها در مدینه محقق شد. پس اگر این عبارت بخشی از روایت باشد ممکن نیست پیامبر اسلام ﷺ پیش از هجرت به خواستگاری عایشه رفته باشد و ابوبکر به دلیل اخوت از این ازدواج عذر بیاورد (سبحانی، ۱۴۱۹: ۶۶).

۳-۹-۲- محاسبات تقویمی

تطبیق تاریخ رویدادهای مذکور در روایت و رخدادهای پیرامونی آن، با بهره از گاه‌شماری‌های قطعی سنجه‌ای اطمینان‌آفرین برای نقد حدیث است. برای نمونه روایت «و أخرج عبد بن حمید عن سعید بن المسیب فی الآیة قال ان یکفر بها أهل مکة فقد وکلنا بها أهل المدینة من الأنصار» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۸/۳) که مراد از قوم را در آیه «پس اگر اینان به این امور کفر ورزند، بی تردید ما قومی را بدان برگمارده‌ایم که هرگز بدان کافر نباشند» (انعام/ ۸۹)، انصار پیامبر ﷺ می‌داند با تاریخ حوادث سازگار نیست. چرا که این آیات به اتفاق همه تاریخ‌نگاران و مفسران در مکة نازل شده‌اند، حال آنکه واژه انصار عنوانی است که پس از هجرت پیامبر ﷺ برای گروهی از اهالی مدینه وضع شد و این افراد در زمان نزول آیات از کافران بودند. چگونه ممکن است که کافران

مدنی آن عصر، موکل حفظ دین در زمان صدور آیه باشند؟! (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۸/۷).

۳-۹-۳- عدم وجود گزارش‌های معتبر تاریخی

به حکم خرد روشن بین، بایسته است که رخداد‌های مشهوری که برخی احادیث از آنها سخن گفته‌اند در منابع گوناگون و با اسناد مختلف نقل شده باشند. سکوت منابع تاریخی و نیز عدم امکان وقوع تاریخی آنها (مرتضی‌عاملی، ۱۴۰۳: ۴۰/۱). راهنمایی استوار بر جعل و وضع در این گونه اخبار است.

اخباری که به روایات غرائق نام دارند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۶۷/۴) به جهت عدم ضبط و گزارش جریان آنها در تاریخ، نامعتبر می‌نمایند. چرا که در صورت درستی آنها می‌بایست گزارش‌های فراوانی از طعنه مشرکین به پیامبر اسلام به جهت خطا در دریافت وحی وجود می‌داشت (معرفت، ۱۴۲۹: ۱۲۸/۲).

نتیجه‌گیری

فهم، نقد و حل تعارض میان احادیث نیازمند بررسی همه جانبه عناصر متنی و پیرامونی آن است. برای رسیدن به فرآیندی اطمینان بخش در این عرصه‌ها، آگاهی از تاریخ، نقش محوری خواهد داشت. در این پژوهش، ۹ مؤلفه اصلی و ۲۵ زیرمجموعه فرعی مرتبط با تاریخ برای نقد محتوای حدیث معرفی شده و در هر بخش نمونه متناسب حدیثی، به نقد کشیده شده است. چکیده حاصل این کاوش به شرح ذیل می‌باشد:

۱. استوارترین منابع تاریخی برای نقد حدیث، دلالت‌های قطع‌آفرین قصص قرآن، سنت قطعی و حوادث متفقاً فیها هستند.

۲. سیره معصومین که گاهی از محتوا پژوهی روایات ایشان و گاهی از تواتر معنوی و اجمالی سخنان صحابه و مردمان حاصل می‌آید، سنج‌ای تاریخی برای نقد حدیث شمرده می‌شود.

۳. توجه به قرائن پیرامونی صدور حدیث مانند سپهر مذهبی، سیاسی و فرهنگی عصر صدور، فرهنگ و عادات اجتماعی، سیر تنزیلی تشریح احکام، واژه‌شناسی عصری،

مکان، زمان و نیز علت‌های صدور حدیث یکی از راهبردهای نقد تاریخی حدیث خواهد بود.

۴. تاریخ نگاری منبع نقل حدیث در یابیدن اطمینان به صدور آن اثر بخش خواهد بود.
 ۵. اخباری که در بردارنده نقش آفرینی اشخاص در وقوع رخدادها هستند با مؤلفه‌هایی مانند ویژگی‌های ظاهری، زیست نامه، تبارشناسی، رخداد‌های شاخص طول زندگی، و نیز انواع گرایش‌های مذهبی، فرقه‌ای و سیاسی آنها به نقد کشیده می‌شوند.
 ۶. اخباری که گزارش‌گر رخدادهایی در گذشته یا آینده هستند با گزاره‌های معتبر تاریخی مورد نقد قرار می‌گیرند.
 ۷. نقل منفرد اخباری که حاکی احکام مورد نیاز عموم جامعه عصر صدور و دوره‌های بعدی هستند، شاخصه‌ای برای نقد تاریخی احادیث شمرده می‌شود.
 ۸. بهره از تحلیل عقلانی با استفاده از براهین عقلی مانند سبر و تقسیم و نیز برهان عدم امکان‌پذیری در کنار محاسبات تقویمی برای سنجش میزان اعتبار حدیث سودمند خواهد بود.
- نیک هویداست که بسیاری از موارد پیش گفته در حصول یقین جزمی برای نامعتبر شمردن حدیث کافی نیستند. اما از آنجا که در حدیث پژوهی، کسب اطمینان، بسنده خواهد بود می‌توان از درهم تنیدن معیارهای گذشته، مایه‌ای اطمینان بخش برای نقد حدیث و حکم به میزان اعتبار آن یابید.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. آل‌غازی، عبد القادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲.
۳. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشرجهان، ۱۳۷۸.
۵. —، معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳.
۶. —، الخصال، چاپ اول، قم، اندیشه هادی، ۱۳۶۲.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام احمد بن حنبل، احمد محمد شاکر، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۶.

۸. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ سیزدهم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
۹. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
۱۰. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: شعيب الارنوؤط، بیروت، دار الرساله العالمیه، ۱۴۳۰.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
۱۲. ادلبی، صلاح الدین، منهج نقد المتن عند علماء الحديث النبوی، بیروت، دار الآفاق الجدیده، ۱۴۰۳.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر، مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷.
۱۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۶. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، حیدر آباد هند، مجلس دائرة المعارف النظامية الکائنه، ۱۳۴۴.
۱۸. ترمذی، عبدالسلام، رویدادهای تاریخ اسلام، جمعی از پژوهشگران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الكبير (سنن الترمذی)، بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۸.
۲۰. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲.
۲۱. حاج حسن، حسین، نقد الحديث فی علم الروایه و الدرایه، عبدالمجید ترکی، بیروت، بی نا، ۱۹۷۵.
۲۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۰۹.
۲۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۲۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی، الفقیه و المتفق، مکه، جامعه الام القرى، ۱۴۱۷.
۲۶. —، تاریخ بغداد، نرم افزار المکتبه الشامله، قسم الحديث، بی تا.
۲۷. درودی، فریبرز، نقدی درباره مفاهیم نقد، کتاب ماه کلیات، شماره ۱۸۴، تابستان ۱۳۹۲ش، ص ۴۷-۵۰.
۲۸. دمنی، مسفر عزم الله، مقایس نقد متون السنه، ریاض، بی نا، ۱۴۰۴.
۲۹. دولابی، محمد بن احمد، الکنی والأسماء، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۱.
۳۰. دهقانی، رضا، «چستی نقد تاریخی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۵-۱۷۴.
۳۱. دینوری، ابن قتیبه، المعارف، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۹۶۹.
۳۲. ذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ الاسلام، بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۲۰۰۳.
۳۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.

۳۴. راوندی، فضل الله بن علی، النوادر، قم، دارالکتاب، بی تا.
۳۵. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، تاج العروس، چاپ اول، بیروت، دارالفکر الاسلامی، ۱۴۱۴.
۳۶. سباعی، مصطفی، السنه و مکانتها فی التشريع الاسلامی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۹۷۶.
۳۷. سبحانی، جعفر، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرايه، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۴.
۳۸. سبحانی، جعفر، الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۹.
۳۹. سیرافی، حسن بن عبدالله، اخبار النحویین البصریین، طه محمد الزینی، بیروت، مصطفی البابی، ۱۹۶۶.
۴۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۴۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
۴۲. صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلح، بیروت، دارالعلم للعالمین، ۲۰۰۹.
۴۳. صحرايي اردکانی، کمال، «پیوند تاریخ با حدیث میان مسلمین»، علوم حدیث، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۸۶، ص ۴۱-۵۸.
۴۴. طائی، نجاح، الشائعات المشهوره ضد الامام الحسن علیه السلام، بیروت، دارالهدی لإحیاء التراث، ۱۴۳۱.
۴۵. طباطبائی، سید محمد کاظم، منطق فهم حدیث، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۴۶. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۰.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۴۸. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
۴۹. طوسی، محمد بن الحسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۵۰. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴.
۵۱. —، الغیبه، قم، دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۵۲. —، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۵۳. عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۹.
۵۴. عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۷۱.
۵۵. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، تاریخ زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام، چاپ دوم، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۷.
۵۶. عسکری، سید مرتضی، برگستره کتاب و سنت، محمدجواد کرمی، تهران، اصول الدین، ۱۳۹۱.
۵۷. عنایه، غازی حسین، أسباب النزول القرآنی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱.
۵۸. غفاری، علی اکبر، دراسات فی علم الروایه، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۹۳.
۵۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹.
۶۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴.
۶۱. کرجی، علی، «قضیه فی واقعه»، مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۲۷-۲۸، تابستان ۱۳۸۰.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹.
۶۳. کوفی، احمد بن اعثم، کتاب الفتوح، علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱.
۶۴. محقق گرقمی، البرز و همکاران، «روش شناسی پاسخ گویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق علیه السلام»، کلام اسلامی، شماره ۱۱۴، تابستان ۱۳۹۹، ص ۸۷-۱۱۴.

۶۵. مجلسی، محمدباقر، حلیة المتقین، قم، ارمان یوسف، ۱۳۸۵.
۶۶. —، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۶۷. —، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.
۶۸. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، قم، کوشانیور، ۱۴۰۶.
۶۹. مرتضی عاملی، جعفر، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، قم، بی نا، ۱۴۰۳.
۷۰. مطهری، مرتضی، فلسفه تاریخ، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
۷۱. معرفت، محمد هادی، التفسیر الأثری الجامع، چاپ اول، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۹ الف.
۷۲. —، التمهید فی علوم القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۹ ب.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، چاپ اول، تهران، ميثاق، ۱۳۸۷.
۷۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۷۵. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵.
۷۶. —، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱.
۷۷. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، چاپ سوم، بیروت، دارالأعلمی، ۱۴۰۹.
۷۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۲.
۷۹. یوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع، تهران، معارف، ۱۳۹۴.
۸۰. —، موسوعة التاريخ الاسلامی، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۷.

